حجت طباطبائی
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

مظفر الدین شاه قاجار

در عهد دولت ابد مدت ملک الملوک العجم وارث ملک دیهیم کیان وجم اعلیحضرت قدر قدرت سلیمان حشمت بهرام صولت سکندر دولت قضا مهابت السلطان بن السلطان بن السلطان بن السلطان

کتابخانه آستان قدس مشهد
شماره ثبت ۲۸۴۸۴۲
تاریخ ۸۲/۳/

خلد الله ملکه وعزه

۱۳۲۴

پانچ شد
باسمه تعالی
فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات
شماره ثبت: ۲۱۳۵۲
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵ م ۴۱۲ ح مرجع
سرشناسه: مدرس، محمدرضا بن محمدمومن، قرن ۱۲ ق.
عنوان قراردادی:
عنوان: جنات الخلود
شرح پدیدآور:
کاتب: میرزا آقا ولد مرحوم آقا محمد جعفر تاریخ کتابت:
تاریخ نشر: ۱۳۲۵ ق
محل نشر: ناشر:
مصور ☐ درسی ☐ گراور یا افست ☐
صفحه شمار:
زبان: فارسی، عربی ابعاد: ۲۲×۳۵ نوع خط:
روش تهیه: وقفی ☐ اهدایی ☐ خریداری ☐ ارسالی ☐
واقف: حجت طباطبائی تاریخ ثبت: مرداد ۱۳۸۲
یادداشتها:
موضوع(ها): ۱. چهارده معصوم - سرگذشتنامه ۲. پیامبران - سرگذشتنامه ۳. خدا - نامها ۴. خدا - صفات ۵. دعاها.
شناسه(های) افزوده: الف. میرزا آقا، کاتب ب. طباطبائی، حجت، واقف.
تاریخ فهرستگاری: آذر ۸۶
فهرستگار: رمش

... حجت طباطبائی
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

مظفر الدین شاه قاجار

در عهد دولت ابد مدت ملک الملوک العجم وارث ملک دیهیم کیان و جم اعلیحضرت قدر قدرت سلیمان حشمت بهرام صولت سکندر دولت قضا مهابت السلطان بن السلطان بن السلطان بن السلطان

کتابخانه آستان قدس مشهد
شماره ثبت ۲۸۴۸۴۳
تاریخ ۸۳/۳/۱

خلد الله ملکه و عز

دد لسه حرره ... ۱۳۲۳

۲۹۷/۰۳ م
۴۲۱۲ ج م
۱۲۲۵
۵۷۸۰۲
پانچ شد

آستان قدس
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

اسم کتاب: جنات الخلود (جلد ۱)
مصنف: محمدرضا بن محمد مؤمن امامی
مؤلف:
خطی:
چاپی: سنگی
سال چاپ یا تحریر: ۱۳۲۵ ق عدد اوراق:
جزء کتب: اسلام، دایرة المعارفها شماره خصوصی:
شماره عمومی: ۲۸۴۸۴۳ شماره قبض:
واقف: سید محمدباقر حجت طباطبائی تاریخ وقف: مرداد ۱۳۵۲
طول: ۲۰ عرض: ۲۲ شماره صفحات:

محمد محمدی / کتابت
۸۵/۲/۱۸

فهرست جداول هذا كتاب جنات الخلود

هذا كتاب جنات الخلود

الحمد لله الكريم المعبود المنفرد بالازلية والابود المتعزز بالكرم والجود منبت بذور الوجود ليرود ما يحصد يوم الورود وجاعل حبوب القلوب من حبوب حب المحبوب معمورة بجنات الخلود مرتبح حياض العلم برياض المرتاضين من جداول المنهل المشهود ومرسل صواعق رجوم الحج على نجوم المنكرين كالبروق والرعود باعث نبي الكريم لسد السدود وحد الحدود ورد الاجارة اي الرود عن ذوي الطرق والقصود الى مقاليد من طل ممدود فاخذ لاهل بيته من المواثيق والعهود ونشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له شهادة ترتقي بها اعلى درجات الصعود مع المقربين في مشهد يوم الموعود وصلى الله على صاحب المقام المحمود اكمل من نادب بالهمود والجهود وافضل من تحنب جنو بهم عن مضاجع الرقود محمد محمد النادذات الوفود وعلى سعد السعود والكوكب المسعود سيمت دريه الودود على الغالب على الجيوش والجنود وعلى النجوم الهادية والاقطاب السماء الالهية بلا زوال ولا ركوب والائمة الاجلة المعصومين المامودين تارة بالقيام وتارة بالقعود الطائفين العاكفين الركع السجود صلوة تصفي مرائي قلوبنا عن غبار التعصب والجحود وتعصمنا من كيد كل لجوج وحسود يصهر به ما في بطونهم والجلود ولهم مقامع من حديد ويوم القيمة يبئس الرفد المرفود من المخالفين الكفرة الفجرة العنود المضلين من النصارى واليهود وسلم تسليما كثيرا دائما الى ان يذهب الخلق و يعود

اما بعد بر نواح وصفايح اذهان صافيه ارباب الباب مبين تكارد كمينه كثير الجرم قليل الطاعة عديم البضاعة متلبس ابن محمد مؤمن محمد رضاء الامامي المدرس … رحمه الله تعالى المراضيه واحسن اليه في مستقبل حالة كما في ماضيه كه چون عمده اركان ايمان معرفت خدايو انبيا و وصيه سيما ائمه هدى سلام الله عليهم است كه از خوض در حوض حلاوت آثار و اخبار ايشان حاصل گردد و هر يك را عليحده علامتي نشاني و مولد و مكان و تاريخ و زمانه و ساعات و حالات مشغلي و شاني هست كه دريافت آنها بتتبع كتب بسيار و شهور هست چون اين حقير تفسير موسوم بخزاين الانوار در اظهار فضل ائمه اطهار تصنيف نمودم و در مطاوى تاليف آن از استقصاى كتب اطلاع كلي بر جزويات آثار انبيا و نامدار و اطوار احمد مختار و ائمه ابرار عليهم رسانيده هر يك را در جايگاه از آن كتاب مستطاب ملي بقلم ارقام داده

و مجلد اول اين منظر كيميا اثر كه مانان كرباس سده كردونه اساس عرش احتساب نواب كامياب مالك رقاب سپهر جناب شاهنشاه خلافت مآب كه طغراى طواير دولت و تصنيف بنام نامش موشح و مخيل مناشير باهر التشور شوكت نامش سامي مرشح است حامي حوزه اسلام و ماحي آثار عبده اصنام رافع رايات عدل و احسان و قامع الويه ظلم و طغيان محقق طوايف امم و مفخر ملوك عرب و عجم مشعله دوده لا المودة في القربى … ديده وانشه بنصره من يشاء و رونق آراى خواقين كام كار و مملكت پيراى شهنشاهان تاج بخش تاجدار درياى سيماني كه تر او شش علم انعام عام است افزاى بهارستان فضل و كمال است و هوادارى كه نسايم الطاف خاصش غاليه ساى باغ آمال و آمانى و ظل السبحانه العالمين قهرمان الماء والطين قبله ارباب دين مركز دور مدار كز اثر عدل او ست ملك و ملل برقرار فر فريدون كجا شوكت شانش كجا ديده و بيننده نظامي شود آشكار پايه قدرش بود پايه جاه و جلال سايه شانش بود سايه پروردگار در خم چوگان حكم چون فكند حشمتش گوى فلك ميزند چرخ بليل و نهار بهر نيستان كفر تيغ وى آتش فشان بهر گلستان دين حنجروى آبدار گوهر بحر كرم مظهر احسان و جود صدر سرير امم فخر اولى الابصار صبح برو پيشكش برج اسد از حمل بره شير فلك پيش رخش بنده وار كان كفش و سخا موجه برآرد چو بحر تيغ بر از جوهرش دم نزند از ذوالفقار كهف الثقلين وضياء المشرقين والمغربين ملاذ الخلق في الخافقين شاه سلطان حسين الصفوي بهادر خان لا زالت اعناق السلاطين بنا خاضعة وجباه الخواقين بتراب عتبته واضعة رسيده بعد از تحليه آن به پيرايه استحسان حقير را مورد خلاع فاخره و آفتاب شعاع و رقم مفاخرت شيم دوران سطاع فرمودند در هنوقت نيز حسب الاشاره بعضي از خاصان آن درگاه كه پرچم رايت فتح آيه انهم المنصور آسيت در شأن او و كوكب موكب ان جندنا لهم الغالبون نمونه ايست از وجنات فرمان او شيرازه اوراق انا فتحنا لك فتحا مبينا و شاهباز بلند پرواز اوج و رفعناه مكانا عليا خلاصه آثار متعلقه بچهارده معصوم را از اسماء و القاب و كنيات و خصايص و معجزات و ادعيه و صلوات و احراز و احتجابات و مدت عمر و ساعات و فضايل و كرامات و آبا و امهات و تولد و وفات و شهور و سنوات و اولاد و حالات و خواتيم و بركات و نقش و امكنه وفات و تواريخ ولادات و اشغال و مهمات رساله عليحده نموده باسلوب تقويم در طي جداول ذكر كرديم تا ملخص احوال هر يك در جدول مخصص بدون تصفح كتب در بادى الراى نظر در آيد و هر روز يكه تولد يكي از انبياء و حج يا فوت يكي از اينها در آن واقع شده براى اشغال و مهمات خود و متيمن و عكس آنرا عكس دانند و با اختلاف دو جنين و معنون ساختيم آنرا بجدولي چند در معنى اسماء حسنى و اعداد و خواص احوال مشاهير انبياء و مختتم شد بجدول ديگر در ذكر سير و سنين خاتم اصفيا و تعدد ايام و ليالي متبركه و اعياد و شهور و سنين و بلاد مشهوره و زمين و معرفت قبله و احتساب و بعضي از تكليات اختلافات بعضا از ادعيه و صلوات و ادعيه سفر و ذكر خلفاء غاصبين حقوق ائمه هدى و حصر مذاهب و ملتها بر ترتيبي كه مذكور و موشح است در فهرست اين صحيفه جان نما كه الحق كتابي شده قرة العين همه كتابها نه چرخ بكل حسني نه جدول اين باغ قامت خم و دامن بكمر بسر سجود بست گلزار ارم بارخ خوبان كه جنتش ماه شب عيد بست جلش بنهل عود است هم صرحادات عدد و اكلاتش هم بحر محبان تو جنات خلود هست بر ساخت هر صفره زر جدول سيمين هر چشمه هويدا و روان سهد شهود هست در هر ورق از درج كهر حيدر بساطي هر كنج وى از كنج دو صد مايه جود هست هر خانه پى زينت او ذات عماد هست ذات الدر الفهاش عمود هست موسوم ساختيم اين نسخه نامي اسامي كه عدد حروفش تاريخ تاليف آنست يعني جنات الخلود المعمور من جداول النور و بالله التوكل في كل الامر

الجدول الاول فی معرفة اسماء الحسنی و معانیها و خواصها و عددها و غیرها

الله	اسم ذاتیست مستجمع جمیع صفات کمال که من حیث لا استحقاق سزاوار پرستش و حمد باشد ... گرتو خواهی رو بیابی سوی آن ... از بهر خواندن جهت مطالب مجرب است		
الواجد	[illegible]	الاحد	[illegible]
الصمد	چون در غیر خدا استعمال شود بمعنی ... [illegible] ... (۱۲)	الاول	[illegible]
الآخر	[illegible]	السمیع	[illegible]
البصیر	بینا و مطلع بر همه ... [illegible] ... بخواند ان شاء الله مجرب است	القادر	[illegible]
الظاهر	[illegible]	المالک	[illegible]
الوکیل	بمعنی علی و العلو ... [illegible] ... (۱۲)	الباقی	[illegible]
البدیع	[illegible]	الهادی	[illegible]
الباعث	و معنی دارد ... [illegible]		

بقیة الجدول الاول فی معرفة بعض من اسماء الحسنی و معانیها و خواصها و اعدادها

الباطن	دو معنی دارد اول پنهان بودن ... [illegible] ... جهت پنهانی و مخفی بودن اسرار و بامطلع شدن بر ضمایر و اخبار بخوانند بعدد شصت و دو که عدد کبیر است ...		
الرحیم	[illegible]	الکریم	[illegible]
الحکیم	[illegible]	العلیم	[illegible]
الحلیم	[illegible]	الغفور	[illegible]
الحق	[illegible]	الحبیب	[illegible]
الحسیب	[illegible]	الکبیر	[illegible]
الرب	[illegible]	الرزاق	[illegible]
الرؤوف	[illegible]	الرحمن	[illegible]
الرحیم	صفت عام است ... [illegible]		

جدول دویم در شناختن بقیه اسماء الحسنی ومعانیهای آنها وخاصیتهای وعددانها وغیرها

الجدول الثانی فی معرفة تتمة اسماء الحسنی ومعانیها وخواصها واعدادها وغیرها

الرقیب	دو معنی دارد دیدبان که رقیب القوم حارسهم ودوکس را که طالب چیزی باشند رقیب گویند [illegible]	الرؤف	مهربان بمعنی رحیم است [illegible]
ال[illegible]	[illegible]	السلام	[illegible]
المؤمن	[illegible]	المهیمن	[illegible]
الع[illegible]	[illegible]	الجبار	[illegible]
المتکبر	[illegible]		
السمیع	[illegible]	السبوح	[illegible]
الشهید	[illegible]	الخبیر	[illegible]
الصانع	[illegible]	العدل	[illegible]
الظاهر	[illegible]	اللطیف	[illegible]

بقیه جدول دویم در شناختن تتمه اسماء الحسنی ومعانی آنها وذکر خواص آنها وعدد آنها

تتمة الجدول الثانی فی معرفة تتمة اسماء الحسنی ومعانیها وخواصها واعدادها

العفو	[illegible] از عفو بمعنی درگذرنده وبخشش کننده گناه گناهکاران [illegible]	الغفور	[illegible]
الغنی	[illegible]	الغیاث	[illegible]
الفاطر	[illegible]	الفرد	[illegible]
الفتاح	[illegible]	الفالق	[illegible]
القریب	[illegible]		
الملک	[illegible]	المالک	[illegible]
القدوس	[illegible]	القوی	[illegible]
المقیم	[illegible]	القابض	[illegible]
الباسط	یعنی پهن کننده فضل واحسان ورزق [illegible]	القاضی	[illegible]

الجدول الثالث فی معرفة بقیة اسماء الحسنی و ذکر خواصها و معانیها و عددها

المجیب	بمعنی مجید دو معنی دارد اول بمعنی واسع الکرم است بر سایر خلق از هر گونه نعمت چنانچه مرد سخی را ماجد گویند اکریم و عزیز است و منه قوله تعالی و قرآن مجید ماخوذ از مجد و بزرگی و احتمال دارد که بمعنی ممجد باشد یعنی تعظیم و تکریم کرده شده و بسیار گفتن این اسم شفاعت از همه کوتهها عدد کبیرش پنجاه و هفت عدد وسطش دوازده و صغیرش سه است گفتن آن با اسم ماجد موجب تنویر قلب و یافتن مجد و بزرگواری	الولی	و بعضی نسخ ولی مذکور است و هر دو بمعنی ناصر است برای مومنان و متولی امور و اکرام و میتواند بمعنی اولی بتصرف باشد چنانچه رسول خدا فرموده است اولی منکم من انفسکم من کنت مولاه فعلی مولاه و گاهی بمعنی قیم تقاف باشد که قیم طفل را ولی گویند پس این اسم بمعنی حق تعالی مصلح کار مومنین و قایم بمهمات ایشان است بجهة تصرف در خلق مداومت نماید عدد کبیرش اگر مولا باشد [illegible] و اگر ولی باشد [illegible] وصغیرش یک است
الحنّان	[illegible]	المحیط	[illegible]
المبین	بمعنی دارد ظاهر و هویدا بودن بآیات واضحه و دلالتها که هیچ چیز از آثار قدرت بر عکس پنهان نیست هویدا کننده ... هر چیزی از آثار قدرت او که دال بر وجود اوست [illegible] عدد کبیرش یکصد و دو و صغیرش سه [illegible] عدد کبیرش یکصد و شصت پنجاه صغیرش پنج	القادر	[illegible]
القدّوس	[illegible]	المصوّر	[illegible]
الهادی	دلالت کننده و ارشاد نماینده هر مراد خود بعقول و احکام الهام و دلایل و اعلام و بنای معنی آن بر دو نوع است [illegible]		
الکبیر	[illegible]	الکافی	[illegible]
الکاشف	بر دارنده پرده ظلمات از روی امور و نقل مضرت از دوش مضطرین خود [illegible] گوید عدد کبیرش [illegible] صغیرش یک است	القریب	[illegible]
المغنی	[illegible]	الوهّاب	[illegible]
الناصر	بمعنی نصیر هر دو مشتق اند از نصرت بمعنی یاری و مددکاری و یاری کننده [illegible] عدد کبیر ناصر سیصد و چهل و یک و از نصیر سیصد و پنجاه [illegible]	نعم الوکیل	[illegible]

بقیة الجدول الثالث فی معرفة اسماء الحسنی و معانیها و خواصها و اعدادها

الرؤوف	با خود دارد و بمعنی دوستی است و دوست دارنده بندگان صالح خود و دوستی او [illegible]	المحسن	وفا کننده بعهد خود و بجا آورنده وعدههای ثواب [illegible] بر خلاف وعده عذاب که وفا نکردن بر آن امر او را جایز بل مستحسن است [illegible]
الوکیل	[illegible]	الوارث	[illegible]
الحسیب	اسم فاعل از بعث بمعنی [illegible] عدد کبیرش دویست و دو و عدد وسطش بیست و دو و عدد صغیرش چهار است	الباعث	برانگیزنده خلایق بعد از موت [illegible]
الغفّار	[illegible]	الکفیل	[illegible]
الجواد	عطا کننده بعطاء عظیمه متواتره و احسان کننده [illegible]		
الخبیر	[illegible]	العلیم	[illegible]
الحنّان	بهترین یاری کننده کان اگر چه اصل چیز [illegible] لیکن اینجا بمعنی [illegible]	الدیّان	[illegible]
الشکور	[illegible]	المعطی	[illegible]
الشافی	خلاصی دهنده از مرض و بلا [illegible]	الفتّاح	[illegible]

جدول چهارم در شناختن احوال پیغمبرانی که مشهورند صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین

الجدول الرابع فی معرفة احوال الانبیاء المشهورین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین

آدم صفی	[illegible]
ادریس	[illegible]
نوح	[illegible]
هود	[illegible]
صالح	[illegible]
ابراهیم	[illegible]
لوط	[illegible]
اسمعیل	[illegible]
اسحق علیه السلام	[illegible]

بقیه جدول چهارم در شناختن حالات پیغمبرانیکه مشهورند صلوات الله علیهم اجمعین

بقیه الجدول الرابع فی معرفة احوال الانبیاء المشهورین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین

ذوالقرنین	[illegible]
یعقوب	[illegible]
یوسف	[illegible]
ایوب	[illegible]
شعیب	[illegible]
موسی	[illegible]
یوشع	[illegible]
حزقیل	[illegible]
اسمعیل	[illegible]

الجدول الخامس فی معرفة نبذ من احوال بقیة الانبیاء المشهورین صلوات الله علیهم اجمعین

خضر

نام خضر تالیا بن ملکان بن عابر بن ارفخشد بن سام بن نوح است چون بهر زمینی نشستی جای نشیمن وی سبزه میروئید و بهر چوب خشکی که تکیه میکردی سبز میشدی [illegible]
او را با الیاس یکی میدانند اما اصح آنست که او علاحده است [illegible]
[illegible]

الیاس

[illegible]

الیسع — **ذوالکفل**

[illegible]

لقمان

[illegible]

ملوک

[illegible]

سلیمان

[illegible]

اشمویل — **حبقوق**

[illegible]

شعیا

[illegible]

حنظله

[illegible]

بقیة الجدول الخامس فی معرفة نبذ من احوال بقیة الانبیاء المشهورین صلوات الله علیهم اجمعین

زکریا

بلخ زو کاف و یا مشهور است [illegible]
بنی اسرائیل و صاحب پدر او [illegible]
[illegible]
ان روز اول محرم بود باز اشتیاق فرزند [illegible]
بقدم حضرت یحیی دادند و از برای اطمینان دل علامتی خواست مقرر شد که تا سه روز زبانش بغیر ذکر خدا بهیچ چیز گویا نتواند بود [illegible]
(پنج سال)

یحیی

[illegible]

ارمیا — **دانیال**

[illegible]

عزیر

[illegible]

عیسی

[illegible]

جرجیس

[illegible]

خالد — **جرجیس**

[illegible]

یونس

[illegible]

اصحاب کهف

[illegible]

بقیة الجدول السادس فی معرفة احوال خاتم النبیین محمد خیر المرسلین المصطفی صلی الله علیه و آله

الجدول السادس فی معرفة من احوال خاتم النبیین محمد سیدنا صلی الله علیه و آله

بقیة الجدول الرابع فی معرفة نبذة من ما یتعلق بالامام الاول امیر المؤمنین صلوات الله علیه

اخلاقه (اخلاق آنحضرت)	[illegible]
نقش خاتمه (نقش انگشتر آنحضرت)	[illegible]
دعواته (دعای آنحضرت)	[illegible]
[illegible] (زمان آنحضرت)	[illegible]
سنة وفاته (سال وفات آنحضرت)	[illegible]
عدد اولاده (عدد اولاد آنحضرت)	[illegible]
موضع وفاته (مکان وفات آنحضرت)	[illegible]
علة وفاته (سبب وفات آنحضرت)	[illegible]
اصحابه (اصحاب آنحضرت)	[illegible]

الجدول الرابع فی معرفة نبذة من احوال الامام الاول امیر المؤمنین علی بن ابیطالب

القابه (القاب آنحضرت)	[illegible]
اسماء ولده (نامهای اولاد آنحضرت)	[illegible]
کناه (کنیه‌های آنحضرت)	[illegible]
نسبه (نسب آنحضرت)	[illegible]
شهر ولادته (ماه ولادت آنحضرت)	[illegible]
صفاته (صفات آنحضرت)	[illegible]
مسقط رأسه (مکان ولادت آنحضرت)	[illegible]
ساعة ولادته (ساعت ولادت آنحضرت)	[illegible]
یوم ولادته (روز ولادت آنحضرت)	[illegible]

بقیة الجدول الثامن فی معرفة احوال سیدة النساء فاطمة الزهراء صلوات الله علیها

الجدول الثامن فی معرفة احوال سیدة النساء فاطمة الزهراء

جدول نهم در شناختن احوال امام دویم و سبط اول حضرت امام حسن علیه السلام

الجدول الثانی عشر فی معرفة احوال الامام الثانی والسبط الاول صلوات الله وسلامه علیه

معنی اسم	حسن بمعنی نیکو ... و آن حضرت ... نور محمدی قبل از خلقت آدم و عالم بچهارده هزار سال ... رسول خدا ... فرمود حسن نام وی کن ... و در بعضی کتب مفهوم کردد که آن حضرت را حرم می نامیدند تا تولد امام حسین و در حین نام نهادن ... بر امام حسین و این را حسن نام نهادند
القاب	[illegible]
کنیت	[illegible]
شرح حال	[illegible]
رؤیای مادر	بدر بزرگوارش حضرت امیرالمؤمنین و والدهٔ ماجده اش فاطمه زهرا ... الحضرت ام الفضل زوجه عباس قبل از تولد آن حضرت بخدمت جناب رسول خدا عرض کرد که یا رسول الله در خواب دیدم که عضوی از اعضای تو در خانه من افتاده است پس آن حضرت فرمود که نیکو خواب دیده زود باشد که فاطمه را فرزندی شود و تو او را شیر دهی ... ام الفضل آن حضرت را شیر داد ... عباس
اصحاب	[illegible]
صلوات	[illegible]
مشکلات	[illegible]
ولادت	[illegible]
معجزات	[illegible]
دعا	... بر توسل جستن بحضرت امیرالمؤمنین و آن حضرت بدین نهج که اللهم انی اسئلک بحق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب وابنه الحسن علیهما السلام الا انتقمت لی بهما من ظلمنی وغشنی و اذانی وانطوی علی ذلک وکفیتنی بهما مؤنة کل احد یا ارحم الراحمین
عمر	... مشهور چهل و هشت سال اما محقق ...

تقیهٔ جدول نهم در شناختن احوال امام دوم و سبط اول حضرت امام حسن علیه السلام

بقیة الجدول الثانی عشر فی بیان احوال الامام الثانی والسبط الاول صلوات الله علیه

نقش خاتم	... لاحول ولاقوة الا بالله ... از برکت این شش کلمه از آتش مرد نجات یابد
ذکر	یا شدید القوی یا شدید المحال یا عزیز اذللت بعزتک جمیع من خلقک ... نام ... باید گفت که از او خوف داری از دفع او ... میخواهی خواندن این ... بعد از فریضه مغرب یا دو رکعت نماز حاجت بهر سوره که بخواند و بعد سجده رفتن برای رفع دشمن تاثیر عظیمی دارد مجرب است
اولاد	[illegible]
ازواج	[illegible]
وقایع	[illegible]
بوابین	[illegible]
مقتل	[illegible]
مدفن	[illegible]
زیارت	[illegible]
تاریخ	[illegible]

الجدول العاشر في معرفة آثار الامام الثالث والسبط الثاني صلوات الله عليه

اسم

حسین است مصغر حسن لفظا و معنا ... چنانچه در این باب خبر فرموده ... وانا الفضة وابن الفضتين ... مرویست که اول امام حسن را حمزه نام کرده بودند و امام حسین را جعفر ... حسن و حسین نامید ...

شابرده لقب محقق شده است ... یعنی با خیر و برکت تابع یعنی پیرو جد خود ... یعنی روشنی دهنده ... که در جدول امام حسن علیه السلام اشاره بران رفت ... بترتیب ظاهر است

کنیت

ابو عبد الله و ابو الائمة و ابو المساکین ... بحضرت چنانکه درین باب گفته اند کرموا بسلهم من قبلهم وبنوهم من بعدهم کرماء والناس ارض في السماحة والندى وهم اذا عد الكرام سماء لو يصفوا كانوا الانجم ...

پدرش امیر المؤمنین و مادرش فاطمه زهرا صلوات الله علیهما است ... انا ابن علي الخير من الهاشم ... هذا مفخر حسن افخر وجدي رسول الله اكرم من مشى ونحن سراج الله في الخلق ... وفينا الهدى والوحي بالخير يذكر ... ما لبس يتلو وشيعتنا في الناس اكرم ...

نقش خاتم

وسیله جهت رحمت حضرت و کفاره گناهان حقا ... و امام حسن مجتبی و حضرت دارد ... اللهم صل على محمد وآل محمد وعلى بنته وبنيها واسئلك بحقهم ان تعيني على طاعتك ورضوانك وتبلغني بهم افضل ما بلغت احدا من اوليائك انك جواد كريم عفو رحيم

نجاه و هفت سال ... نجاه و هشت سال ... اول از چهار قول اصح ...

بقیة الجدول العاشر في معرفة احوال الامام الثالث والسبط الثاني صلوات الله عليه

ان الله بالغ امره یعنی بدرستیکه حقتعالی بجا آورنده فرمان ... جهة توسعه روزی فائده عظیم دارد و بقولی نقش نگین آنحضرت لقد ... رضا ... نقش انگشتری ... خلاصی از دست ظالم تاثیر عظیم دارد و اگر عقیق ... قوة الا بالله استغفر الله ... دولت فایده عظیم دارد

اللهم اني اسئلك بكلماتك ومعاقد عرشك وسكان سمواتك وارضك وانبيائك ورسلك ان تستجيب لي فقد رهقني من امري عسرا فاسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل لي من عسري يسرا ... و خواندن این دعا بعد از فریضه موجب فتح و فرج ... آنحضرت ...

جدول پانزدهم در شناختن آثار و احوال امام چهارم حضرت امام زین العابدین علیه الصلوة والسلام

الجدول الحادی عشر فی معرفة آثار الامام الرابع و السجاد الراکع صلوات الله علیه

[illegible]	علی گرما خود از علو معنی ... مدائح علی بن الحسین فریضة علی کل من اهل عبد امام الهدی ... [illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

بقیة الجدول الحادی عشر فی معرفة آثار الامام الرابع الراکع الساجد علیه صلوات الملک الماجد

بقیه نقش خاتم	نقل عمر حسبی الله یعنی نزد بزرگی [illegible] ... یا دائم یا قیوم یا حی یا قیوم یا فارج الهم یا باعث الرسل یا صادق الوعد صل علی محمد و آل محمد وافعل بی ما انت اهله ... [illegible]
عدد اولاد	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

الجدول الثاني عشر في معرفة احوال الامام الخامس الباقر المعصوم صلوات الله عليه

اسم	محمد است مبنی از باب تفعیل جهة مبالغه ... الست کردن ... ستایش خداکنند آنحضرت احمد ... النوع بنی آدم است و این اسم افضل اسماء است ...	لقب	باقر است ... العلوم یعنی شکافنده علمها ... وآنحضرت دارد بهترین لقاب ...
	[illegible]		
کنیت	ابو جعفر است ... یعنی اخبار ... السابق از آنحضرت ... ایامه ...	نقش خاتم	اللهم صل علی محمد بن علی باقر علم الاولین والآخرین ... وما اهل لنقطة والمثنی من عبادک ... لعبادک ومنار البلاد ... یا رب افضل ما صلیت علی احد من ...
	[illegible]		
مادر	ام عبدالله دختر امام حسن ... اسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر است ... نسل حسین یا امت ... ثابت شد که اجداد ائمه ... آدم علیهم السلام همه حلال زاده بودند	ولادت	روز جمعه وبقولی روز شنبه وبقولی روز دوشنبه در مدینه طیبه ... الحسین ... متولد شد ...
	[illegible]		
ملوک عصر	روز اول رجب وبقولی سیم ... سال پنجاه و هفتم وبقولی پنجاه وهشتم از هجرت در ایام سلطنت معاویه ... ان اصلح الاسماء ما سمی بالعبودیة وافضلها اسماء الانبیاء ...		سال پنجاه و ...
	[illegible]		
عمر	... اللهم انی اسئلک بحق ولیک علی الباقر ... آن تزرقنی علما کثیرا نافعا ... فی معرفة آمور الدین آمین یا رب العالمین		پنجاه وهفت سال وبقولی پنجاه وهشت سال وبقولی پنجاه ونه سال است ... روی تحقیق ... پنجاه و هفت سال ... ند ضعیف

بقية الجدول الثاني عشر في معرفة احوال الامام الخامس الباقر المعصوم صلوات الله عليه

نقش خاتم	انگشتری آنحضرت عقیق بود ونقش آن ... العزة لله ...	دعا	اللهم ان کان لی عندک رضوان وود ... وحشتی وطیب ما فی صلبی یا ارحم الراحمین ... اللهم صل علی محمد وآل محمد ...
	[illegible]		
اولاد	... چهار پسر ... حضرت امام جعفر صادق ... ام فروه ...	ازواج	سوای کنیزان ... ام فروه ... ام حکیم بنت اسید بن المغیره ثقفیه ...
	[illegible]		
وفات	... ابراهیم بن ولید ... هشام بن عبدالملک آنحضرت را مسموم کرد ...	مدفن	... روز دوشنبه ... ربیع الاول ...
	[illegible]		
	[illegible]		
	[illegible]		

الجدول الثالث عشر فی معرفة احوال الامام السادس الحبر الکامل المؤسس صلوات الله وسلامه علیه

[illegible]	... له دلالت ... و علوم ... آیات ... جعفر گویند ... روایت ... مناسبت آنکه علوم اهل بیت نبوت از آنچه باخبث ترویج مذهب اثنی عشری ازآنحضرت فیضان نموده و خود نیز در خصوص حکایتی ... از آنحضرت ... خود فرموده که ... خلیفه و غیره ...
	صادق یعنی راست گوینده ... اشیاء راحم یعنی رقیق القلب و ترحم کننده بر بیچارگان فاضل یعنی ... کاظم صابر یعنی صبر کننده در بلیات چنانچه خود فرموده ...
[illegible]	[illegible]
[illegible]	ابو عبدالله ... آنحضرت ... بعد از فوت آنحضرت دعوی امامت کرد ... صوری و معنوی ... آنحضرت ...
	اللهم صل علی جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعی الیک بالحق النور المبین اللهم کما جعلته معدن کلامک و وحیک وخازن علمک ولسان توحیدک وولی امرک ومستحفظ دینک فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اصفیائک وحججک انک حمید مجید
[illegible]	[illegible]
[illegible]	در مدینه ... امام محمد باقر ... [illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	... اللهم انی اسئلک ... [illegible]

بقیه جدول ... در ضمن احوالات امام ششم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

بقیة الجدول الثالث عشر فی معرفة احوال الامام السادس الحبر ... الموصلوا ... علیه وآله التابعین

[illegible]	... نقش خاتم ... [illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

الجدول الرابع عشر في معرفة احوال الامام السابع والعالم السابع الراعي عليه صلوات الملك الحق

موسى نام كليم واصل اين نام بزبان قبطيست چنانكه حضرت موسى را ... زنيد از خوف فرعون و ساولانش كه بر سر زنان حامله تعيين كرده بود كه اگر فرزندشان پسر باشد بكشد و اين حضرت را مادرش در صندوق كه ... و آخر تابوت ... شد ... و آب ... فرعون ... از ميان اشجار ...

اللهم صل على الامين المؤتمن موسى بن جعفر البر الوفي الطاهر الزكي النور المبين المجتهد المحتسب الصابر على الاذى فيك اللهم كما بلغ عن آبائه ما استودع في امرك ونهيك وحمل على المحجة ... اهل العزة والشدة فيما كان يلقى من جهال قومه رب ... عذبه ... كافضل ما صليت على احد من اوليائك ...

[illegible]

بقية الجدول الرابع عشر في معرفة احوال الامام السابع والعالم السابع عليه صلوات الملك الحق

حسبي الله بود يعني بس است مرا خداي ... الحمد لله بود يعني غلبه و قدرت حقيقت مختص است بر آنكه حمد كرده شده است ... اين كلمات بود كن من الله على حذر ... از غضب و سخط الهي ... حضرت امير المومنين ...

... باسط الرزق ... فالق الحب وبارئ النسم ومحيي الموتى ومميت الاحياء ... اهل المغفرة ... الراحة عند الموت والعفو عند الحساب ... عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك ... وصلى الله على محمد وآله

[illegible]

الجدول الخامس عشر فی معرفة احوال الامام الثامن والوصی الضامن المعصوم المؤتمن والولی الممتحن صلوات الله علیه

اسم	علی است که نام سامی جون حیدر نزرگوارش مشتق از نام العلیست ومعنی این جدول اسما حسنی گذشت واین نام مقدس که دلالت بر علو شان واعتبار از بمکان دارد چنانکه از تفسیر ان عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهرا مذکورست که مراد از شهور دوازده کانه دوازده امام عالیمقامست ومراد از منها اربعة حرم چهار امامست که نام ایشان علیست علی بن ابیطالب علی بن الحسین علی بن موسی الرضا علی النقی علیهم السلام واین دلیل قریب است بر افضلیت چهار برست دیگر	[illegible]	اللهم صل علی علی بن موسی الذی ارتضیته ورضیت به من شئت من خلقك اللهم وكما جعلته حجة علی خلقك وقائما بامرك وناصرا لدینك وشاهدا علی عبادك وكما نصح لهم فی السر والعلانیة ودعا الی سبیلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اولیائك وخیرتك من خلقك انك جواد كریم
[illegible]	[illegible]		
القاب	القاب مشهورش رضاست رضی است که این سر دو دلالت صریح بر خوشنودی او از الطاف الهی وخوشنودی خدا از وی میکند فی الحضرت بخوشنودی خدا و از خدا ... واین مرتبه رضا بلند تر مرتبه تقوی و ایمانست ... وگویند وجه تسمیه او باین نام آنکه موافق ومخالف از وی راضی بودند ... و در کتب سماویه ملقب بهادیه است	[illegible]	ابو الحسن ثالث است نزد جمعی که امیر المؤمنین را ابو الحسن مطلق گویند وسید الساجدین را ابو الحسن اول وموسی کاظم را ابو الحسن ثانی ... حضرت کاظم را ابو الحسن ماضی وابو الحسن اول وامام رضا را ابو الحسن ثانی گویند واین کنیت را حضرت کاظم داد وچنانچه علی بن یقطین گوید آنحضرت در حبس بمن نوشت ان فلانا ابنی سیدهم والذی قد نحلته کنیتی
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	مادرش کنیزکی بود مسماة بنجمه وبقولی نامش ام البنین ... واو را شقرا وبقولی تکتم ... ابو در تقوی وزهد ... خیر الناس نفسا والدا وحظا واجدادا علی المعظم ان السما به للعلم والحلم ثامنا اماما ... حمیده مادر امام موسی ... تا آنکه امام رضا از وی بظهور آمد ...	[illegible]	روز پنجشنبه وبقولی یوم الخمیس الذی رفع فیه ادریس والعن فیه ابلیس وبقولی جمعه یازدهم شهر ذی قعده وبقولی ذی حجه وبقولی یازدهم شهر ذی القعده ... ماه من الهجرة النبویه وبقولی سنه ثلث وخمسون ومائه در عهد خلافت منصور خلیفه ... حضرت صادق پنج سال در مدینه طیبه ... خود وشهادت امامت خود داد
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	فرمود عقوبت جمع کننده ... هرکس ... واین بر آمنه الحمد لله علی ذنوبنا ... الناس کافة الزمانا وما لی مان نعیب سوانا نعیب زماننا والعیب فینا ... وما کل بعضنا بعضا عیانا	[illegible]	... امیر المؤمنین ... در خلوت وجاب خود ... طعام خوردی ... ودر نظر مردم زینت نکردی ... با طعاف کردی
اصحاب	[illegible]		
[illegible]	... اللهم انی اسئلك ... علی بن موسی الرضا ... فی جمیع اسفاری فی البراری والبحار والجبال والقفار والاودیة والغیاض من جمیع ما احذره انك رؤف رحیم	[illegible]	... فضل بن سهل ... والقوا ایمانا لمی با ... قالوا امنا بالله وحده و الله اعلم

بقیة الجدول الخامس عشر فی معرفة احوال الامام الثامن والوصی الضامن المؤتمن صلوات الله

نقش خاتم	ما شاء الله لا قوة الا بالله ... بسیار مفید است ... محمد علی ... نقش نگین حضرت حسبی الله حافظی بود ... ودشمن نفعی عظیم دارد ... نقش نگین ... لا حول ولا قوة الا بالله	[illegible]	اللهم اعطنی الهدی وثبتنی علیه واحشرنی علیه آمنا امن من لا خوف علیه ولا حزن ولا جزع انك اهل التقوی واهل المغفرة ... ابا شنید ... بدی دیده ... از خدا باید خواست
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

الجدول السادس عشر في معرفة احوال الامام التاسع النور الساطع عليه صلوات الملك القاهر

اسمه — [illegible]

اللهم صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى و نور الهدى و معدن الوفاء و فرع الازكياء و خليفة الاوصياء و امينك على وحيك اللهم و كما هديت به من الضلالة و استنقذت به من الحيرة و ارشدت به من اهتدى و زكيت به من تزكى و صل عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك و بقية اصفيائك انك عزيز حكيم

[illegible]

بقية الجدول السادس عشر في معرفة احوال الامام التاسع النور الساطع عليه صلوات الملك العلام

[illegible]

الجدول السابع عشر في معرفة احوال الامام العاشر الولي القائم علیه صلوات الله الملك

[illegible]	علی است که دلالت صریح بر ارتفاع شان و علو مکان آنحضرت کند چه این لقب مبنی علیت یا خود از علو خواه در مراتب صوری و خواه در مراتب معنوی مانند جد بزرگوارش لهذا در کتب مقدسه سماویه بطول است یعنی ... در ذیل نظم مناقب علی الخیر من اقتفی مدارجها اصلیه ثوب ... صفات جلال ما عندک بلسانها سواه ولا احب تعرجها ... فانبعث معانی الکمال ...
...	آنحضرت را ده لقبست نقی منبی پاکی طینت ... هادی صحیح قاطع ... عالم متوکل و این لقب آنحضرت سعی یاد در اخفا این لقب ... وصیت مینمود ... در مجمعها این لقب ... زیراکه خلیفه نیز ملقب بمتوکل بود و از استماع این لقب احتمال اذیت ... داشت ... مشهورترین القاب آنحضرت لقب ولی است ... عسکری ...
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

بقیة الجدول السابع عشر في معرفة احوال العاشر الولي القائم علیه صلوات الله الملك

[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

الجدول الثامن عشر فی معرفة احوال الامام الحادی عشر و العسکر صاحب صلوات الله علیه

[illegible]	دو علم دارد عبدالله حسن بهمچکه در جدول امام حسن مجتبی گفته شد لهذا ... لقب ... باقیست یعنی هم نام جد و درین باب گفته اند نظر بالکنایة ... فی اوجه ... الحسن العسکری ... علی الامام الطاهر المجتبی علی الکریم ... [illegible]	[illegible]	... لقب دارد زکی و خالص و سراج و عسکری یعنی منسوب بعسکر ... مشهورترین القاب آنحضرت ... آنحضرت داشته که بهادا فروج ... [illegible]	
[illegible]	[illegible]			

بقیه الجدول الثامن عشر فی معرفة احوال الامام الحادی عشر علیه الصلوة لنما هامن البحار

[illegible]	الثانیه و بقول العزی ... و بقول المفید ... و گویند عقیق سفید ... ثواب عظیم ... برای وسعت رزق ... که عقیقها ... در بهشت ... امیرالمؤمنین ... [illegible]	[illegible]	... واطرد بمیثی هم ... من خیار خلقک یا واحد یا احد ... که نزد شروع در هر فعلی ... آن و فضل این کلمه بر زبان ... [illegible]	
[illegible]	[illegible]			

الجدول التاسع عشر فی معرفة احوال الامام الثانی عشر الحجة المنتظر صلوات الله الملك الاكبر

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]			
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]			
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]			
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]			
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بقیة الجدول التاسع عشر فی معرفة احوال الامام الثانی عشر الحجة المنتظر علیه صلوات الملك الاكبر

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]			
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]			
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]			
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]			
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بقیة الجدول العشرون في معرفة اخلاق النبي وسننه المشتركة بين الائمة الاثني عشر عليهم السلام

[illegible]	اقسام روغن خوشبو را دوست میداشت و استعمال میکرد و بعد از آن ابروها و شارب و ریش را داخل میکرد ... بعطر میکرد ... مشک و عنبر و غالیه بکار میبرد و بوی خوش خود بیش زیاده از بوی عطرها بود ... که حضرت در آن ... نگذشته است	[illegible]	سر خود را گاهی شانه میکرد و گاهی ریش و ابروها را ... روزی دو بار شانه میکرد ... و ساقه ... بآسمان میبرد و میگفت شانه کردن دفع وبا میکند ... که حضرت را همراه داشت ...
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

الجدول العشرون في معرفة اخلاق النبي وسننه المشتركة بين الائمة الاثني عشر صلوات الله وسلامه عليهم

[illegible]	سخن نمیگفت مگر در جائیکه کار آید و الفت میان مردم میداد و تفرقه نمیداد و بزرگ قوم را گرامی میداشت و بر سر آن قوم حاکم میکرد ... و تفقد حال صحابه مینمود ... نیک را نیکو میشمرد و قوت میداد و قبیح را بد میشمرد و ضعیف میکرد ... میانه روی بود در هر چیزی ... بهترین مردم نزد او آن کسی بود که ... مواسات با مردم بسیار مینمود	[illegible]	... انقدر صبر میکرد ... بر هم زدند ... همه خلق بمنزله پدر بود و مجلس او مجلس ... و وقار بود ... زیادتی بر دیگری نمیداد ... رحم و حاجتمند ...
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول بیست یکم در شناختن ماههای سال و ایام متبرکه و عیدهای معروف است

الجدول الحادی والعشرون فی معرفة شهور السنة والایام المتبرکة والاعیاد

المحرم	[illegible]
الصفر	[illegible]
ربیع الاول	[illegible]
ربیع الثانی	[illegible]
جمادی الاولی	[illegible]
جمادی الثانی	[illegible]
رجب	[illegible]
شعبان	[illegible]
رمضان	[illegible]
شوال	[illegible]
ذوالقعدة	[illegible]

بقیه جدول بیست و یکم در شناختن بقیه ماهها و ایام هفته و چگونه متعلقه بآنهاست و اعمال نوروز

بقیة الجدول الحادی والعشرون فی معرفة بقیة الشهور وایام الاسبوع والنیروز

ذی الحجة	[illegible]
یوم الاحد	[illegible]
یوم الاثنین	[illegible]
یوم الثلثاء	[illegible]
یوم الاربعاء	[illegible]
یوم الخمیس	[illegible]
یوم الجمعة	[illegible]
یوم السبت	[illegible]
یوم النیروز	[illegible]

جدول بیست و دوم در شناختن ایام ماههای فارسی و احکام آنها و احکام تزویج و ایام نحوسه و احکام آنها

الجدول الثانی والعشرون فی معرفة ایام الشهور الفارسیة واحکام ها والمنحوسات ویلدوز

[illegible]

مبارک و بسیار نیک است خلق شدن آدم درین روز نیکوست درآن تزویج و بنا و منازل و ... و [illegible] ... حوایج و هرکس کرد ... درین روز بیمار شود ... بیک ... جز که قتل کرده و طلب کردن درین روز متولد کردد برتبه بزرگ باشد و تجارت کردن و بنا نهادن درین روز بسیار مبارک و نیکو باشد

[illegible]

نیکوست از برای هر کاری چون بیع و شری و ... و غیره و هرکس درین روز نزد سلطان رود مطلبش را بدهد یکروه است ... سفر و سپردن ... و نوشتن ... و هرکس درین روز تولد یابد ... باشد و کریخته درین روز نیاید مکر بتعب و هرکه درین روز بیمار کردد مرض او شدید کردد

[illegible]

نیکوست از برای هر چیزی هرکه درین روز متولد کردد وال وی در آخر بسیار شود ولکن ظالم باشد و طلب ... و سود ... و قرض و استقراض خوب بجز درین روز نیکوست و کریخته درین روز پیدا شود و مریض بری کردد و بروایتی مولود طویل العمر و مشغوف بطلب علم باشد و در آخر عمر متمول کردد

[illegible]

متوسطست و صلاحیت دارد از برای عروسی های ... و بنا ... اساس و جهاد و زرع و ... انجاد و ... اکر ... دخول بر سلطان ... و هرکه ... بدست آید و هرکه درین روز کم شود خبرش نیاید و هرکه درین روز بیمار شود مرض وی دراز کردد متولد شود زندکی بر وی دشوار باشد

[illegible]

... آب هر سیدوهم ... روز ... نیکوست ... سفر ... اراده کنی ... درین ... تزویج ... واقع میان او و زوجه ... اکر درین روز ... باشی بر اهل خود داخل مشو و هرکه درین روز بیمار شود مرضش شدید کردد و مولود درین روز ...

بقیه جدول بیست و دوم در شناختن روزهای ماههای فارسی و احکام نوبهای و احکام از تزویج و روزهای نحس و احکام آنها بلدوز

بقیه الجدول الثانی والعشرون فی معرفة ایام الشهور الفارسیة واحکام الرویا والازمنة والمنحوسات ویلدوز

روز نحس مستمرست و قابیل لیبرادر آدم علیه السلام درین روز تولد یافته و درهمین روز برادرش را کشته و بمید انست که نقش او را چه کند کلاغی هویدا شد با کلاغی دیکر او را بکشت و بمنقار زمین را کود ال کرده کلاغ را در خاک کرده قابیل همچنان کرد و جاه و مال از برای خود خواست اول کسی است که خون ناحق کرده و باید روز از منزل بیرون نیاید و مولود را حال نیکوست

تاثیر خوابهای که شبهای در ایمآه درین جداول ذکر میشود و چون خواب ... دیدند ... یوسف و موسی و عیسی و ابراهیم ... الذی و ... محمد المصطفی ...

[illegible]

روز نوکد شیث است نیکوست از برای شروع هر عملی و از برای بیع و شری نیکست و مال بدست در آن داخل شدن بر سلاطین و هرکه درین روز بکریزد بطوع و رغبت باز آید و هرکه بیمار شود زود صحت یابد و هرکه راه کم کند سالم باید و هرکه درین روز متولد شود عیشش وی نیکو باشد ولیکن نمیرد تا فقیر کردد و از سلطان بکریزد والسلام

[illegible]

روز متوسط است حذر باید کرد از قرض و استقراض زیرا که هرکس درین روز چیزی بکسی دهد دیکر آن چیز بوی برنکردد و مولود درین روز حالش نیکو باشد و بروایت دیکر روز صافی سخت است طلب هرچه خواهند و تزویج و بیع و شری را دوست ... دیدن سلاطین اهل سخت و بروایتی روز سایست صلاحیت طلب حاجت ندارد

[illegible]

خفیف و نیکوست از برای طلب حوایج و تجارت و تزویج و دخول بر سلاطین و حضرت یوسف درین روز متولد شده پس هرکه درین روز متولد شود تربیتش نیکو باشد و هرکه درین روز بسفر رود خیر بسیار بیند و سالما و غانما با اهلش برکردد و از آن سفر ملتذ و محظوظ باشد

[illegible]

روز سبک و نیکوست در هر امری و حاجتی هرکه درین روز تولد یابد حلیم و مال بسیار بدست آورد و هرکه درین روز بیمار شود زود خلاصی یابد و هرکس بکریزد باز آید ولیکن نوشتن وصیت نامه درین روز خوب نیست ... فی روایة یوم مبارک صالح لکل حاجة من لقاء السلطان وغیر ذلک و سفر درین روز خوب است

[illegible]

جدول بیست و سیم در ذکر چیزهای متفرقه که محتاج بآن میشود در بسیاری از اوقات

الجدول الثالث والعشرون فی ذکر اشیاء متفرقة یحتاج الیها فی کثیر من الاوقات

[illegible]

۱	۴	۲	۵	۳	۶
۷	۱۰	۸	۱۱	۹	۱۲
۱۳	۱۶	۱۴	۱۷	۱۵	۱۸
۱۹	۲۲	۲۰	۲۳	۲۱	۲۴
۲۵	۲۸	۲۶	۲۹	۲۷	۳۰
[illegible]	[illegible]	۳۲	[illegible]	۳۳	[illegible]

و چون در آن روز شروع در شغل یا سفر بر او مضطر و لاعلاج باشد ... شروع حمد و معوذتین و اخلاص و آیة الکرسی و پنج آیه از آخر آل عمران ... متوسل شدن بائمه معصومین موجب خلاصی از آفات ... اعتقاد و چنانچه حضرت صادق فرمودند لشیعتنا ولا تبتغوا عصمة وسلکوا ها فی لجج البحار الغامرة ... بین سباع و ذئاب و اعادی الجن والانس ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

والله اعلم بالصواب

بقیه جدول بیست و سیم در ذکر چیزهائی که احتیاج میشود بآن در بسیاری اوقات و زمانها

بقیة الجدول الثالث والعشرون فی ذکر اشیاء متفرقة یحتاج الیها فی کثیر الاوقات

التاریخ

... تاریخ و مصدر باب تفعیل ... ضبط اوقات ...
[illegible]
از مکه بمدینه و این تاریخ هجرت گویند که الحال متداول است و اگر چه اول آن در ماه ربیع الاول بود ... چون اول سال از محرم است بنای این تاریخ بر آن گذاشته شد و جمعی هم که اول سال را از ماه رمضان
دانند بنای این تاریخ را از رمضان، و حسابهای این کتاب در حیات و ممات ائمه و غیره بر اول محرم است چه آن اصح و مشهور است

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بقیة الجدول الرابع العشرین فی معرفة سمت القبلة من بقایا البلاد طولها وعرضها وطوالعها وانحراف قبلتها واطول نهارها

الجدول الرابع العشرین فی معرفة سمت القبلة خط من طول البلاد وعرضها وطوالعها وانحراف قبلتها واطول نهارها

الطول

سوس	ساری	طوس	غزنین	الطایف	کابل	حلوان	اسبزوار	ری	هرات	همدان	بغداد	مدینه	جیلان	دیلم	قزوین	سلطانیه	[illegible]	حمص	امل
خوارزم	مرو	نیشابور	خوی	مراغه	شوشتر	مداین	نصیبین	مشهد	قابوس	شیراز	یزد	کاشان	دمشق	کوفه	فلسطین	سرجان	موصل	سرخس	بلخ
کرمان	شماخی	بادکوبه	البرهو	خاور	سمرقند	بخارا	جرجان	عانه	مکه	طالقان	عمان	نهاوند	تبریز	علانا	حلب	راس العین	رقه	دامغان	بسطام

العرض

سوس	امل	ساری	طوس	غزنین	الطالقان	کابل	حلوان	سبزوار	ری	هرات	سعدآباد	همدان	بغداد	مدینه	جیلان	دیلم	قزوین	سلطانیه	قم
حمص	مرو	نیشابور	خوی	مراغه	شوشتر	مداین	نصیبین	لهی	مشهد	قابوس	شیراز	یزد	کاشان	دمشق	کوفه	فلسطین	سرجان	موصل	سرخس
بلخ	کرمان	شماخی	بادکوبه	البرهو	خاور	سمرقند	بخارا	جرجان	عانه	مکه	طالقان	عمان	نهاوند	تبریز	علانا	حلب	راس العین	رقه	دامغان

جدول بیست وپنجم در شناختن مسافت میان بلاد مشهوره ...

الجدول الخامس والعشرون في معرفة المسافة بين البلاد المشهورة بالخط المستقيم على الارض بالمنازل

التبريز | هرات | مصر | جرجيش | الموصل | البغداد | اصفهان | صنعا | مكة

حلب | ازبنائو | يزد | مرو | لحسا

سبزوار | القزوين | دمشق | شيراز | المدينة

تمتة | بصرة

بقية جدول بیست وپنجم در معرفت مسافت میانه بلاد مشهوره ... منازل

بقية الجدول الخامس والعشرين في معرفة المسافة بين البلاد المشهورة بالخط ...

سرانديب | قرطبة الاندلس | الاكر | ايضاصفها | اصطمكة | قندهار | المولتان | الشماخي | الاستراباد

بلغار | خانبالغ | ختن | سومنات | الطفليس

التبت | قسطنطينية | البخارا | الطوس

چين | كشمير | البلخ | زنقبار

الجدول السادس والعشرون في ادعية السفر والادوية التي تزيل علل الاعضاء سريعا وفي بعضه من الاوجاع والامراض

بسم الله الملك الرحمن وما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله على بشر من شيء قل من انزل الكتاب الذي جاء به موسى نورا وهدى للناس تجعلونه قراطيس تبدونها وتخفون كثيرا وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولا آباؤكم قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون بسم الله مجريها ومرسيها ان ربي لغفور رحيم

دعای یونس ... ان ولیی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون ... حرق در وقت شورش دریا ... گردد انشاء الله تعالی

[illegible]

بقية الجدول السادس والعشرين في ادوية مصححة سريعة الاثر لعلل الاعضاء التي تحدث في السفر غالبا

[illegible]

الجدول السابع والعشرون فی معرفة اختلاجات الاعضاء من قول الصادق و دانیال النبی

[illegible]	مراد جستن تمام سرست دلالت کند بر پیدا شدن شادی و طرب و رفع غم و یا تازه شدن دوستی با کسیکه نگران باشد و بقول اسکندر دال است بر عزت و بزرگی و بقول علما خصومت است والله اعلم بالصواب	[illegible]	دلیل است بر توسعه رزق و اسباب معیشت و یا شرف و ملبوس است و یا غنیمت یافتن از سفر و بقول حکماء فرس و حکماء روم گویند که بطلب امری بزرگ خواهد رفت	[illegible]	مراد کله سرست که مشتمل بر هفت استخوانست سوای فک اسفل در انسان جستن آن دلالت کند بانکه اندک مرضی خواهد دید و یا آزاری از دیگری و یا خواهد رسید و نجات خواهد یافت یا شرف عظیم بمشقت بدست آید
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	نشانه فکر فاسد است و یا خبری شنود که از آن دلگیر شود و اسکندر گوید بوی بدی کند و دود بر طرف شود و یا نعمتی یابد بعد از شکستی و بقول حکماء روم نشان [illegible]	[illegible]	از شنیدن خبری و یا واقع شدن آن شاد گردد و یا غایبی در رسد و یا وسعت معیشت یابد بعد از شکستگی حکماء ادم گویند خرمی یابد بعد از غم و ایمنی یابد بعد از خوف بسیار	[illegible]	جستن میان دو ابرو است نشان سرزدن عملی زشت است از وی یا شنیدن حرفی که از آن نجسته آید و بعضی گویند اندوهی یابد و حکمای روم گویند باو برسد چیزیکه از دو ترسناک باشد
[illegible]	دلیل بر شادی و چشم روشنیست و یا خرمی و سرورست و بقول اسکندر خبر نیکیست و بقول حکماء بهره عظیم از مال و نیکنامی و خیر بسیار است				
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بقیة الجدول السابع والعشرون فی تفسیر احکام اختلاجها من قول الصادق علیه السلام و دانیال النبی و الحکماء

[illegible]	مراد ملتقای عظم است از عضد و ساعد اختلاج آن دلیلست بر بیماری و شفای از مرض اندک و یا نجات از مکروه و نزد بعضی سرزنش دشمنانست و بقول دیگر بر دشمنان غالب گردد و دشمن خجل گردد	[illegible]	دلیل است بر تحصیل خیر و یا رسیدن خبری و چشم روشنی و یا خوشحالی است و سبب حصول مقصود و یا حرفی است از دوری لنت و بقول حکماء روم رتبه اش بلند شود و بزرگ خلایق گردد	[illegible]	ساعد است از بند دست تا مرفق جستن هر عضوی از آن دلیلست بر زیادتی گردن [illegible] و بقول صادق نکاح تازه و بقول خوشحالیست در وقت [illegible] و جمع شدن با محبوب و رسیدن بخواهش
[illegible]	علامت رسیدن رزق بسیار است و یا خوشحالیهای کرده و یا سعادت تازه و نزد حکما پیدا شدن سربلندیست میان مردم و تفوق بر همگنان است والله اعلم				
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	در هر یک از اساجیب نامه اختلاج آن علامت گفته شدن سخنان بد است در حق او و اسکندر گوید در خلوت خواهد افتاد بسبب چیزیکه از او بیعاد گردد	[illegible]	علامت آنست که در حق او خواهند گفت سخنانیکه گروه وی با او و یا بینم کرد و سخنانیکه در حق او گفته باشند و بعضی گویند نسبت داده شود بر او افعالیکه [illegible] شد	[illegible]	از سیدن ارزاق است و یعنی بسیار و یا ظاهر شدن دشمنی است و بعضی از حکماء عزت میان دوستی عالی و شهرت کردن [illegible] نامی
[illegible]	علامت ظفر یافتن است بر دشمن در سینه و بقول حکماء صلح است بعد از جنگ و شادی بعد از غم والله اعلم والصواب				
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

الجدول الثامن والعشرون في ذكر عدد الادعية والصلوات المنقولة عن الائمة عليهم السلام

بيت الجدول الثامن والعشرين في ذكر عدة الادعية المنقولة عن الائمة الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين

دست بر سینه بگذارد و بگوید ... ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم ... من الشیطان الرجیم نوع دیگر ... علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا

... روز و روز ... وقت زوال ... چهار رکعت نماز ... یا احد یا صمد یا کریم یا جبار یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد وآل محمد واکشف ما بی من ضر ... العافیة الشافیة الکافیة فی الدنیا والآخرة وامنن علی بتمام النعمة واذهب ما بی فقد غمنی

... نماز ... سجده ... بگوید اللهم انی ادعوک دعاء الذلیل الفقیر العلیل ... دعاء من اشتدت فاقته وقلت حیلته وضعف عمله والح علیه البلاء دعاء مکروب ان لم تدرکه ... فلا تضطره الی الیاس من روحک والقنوط من رحمتک

۳ بار بگوید یا الله یا رب الارباب یا سید السادات ویا اله الالهة ویا ملک الملوک یا جبار السموات والارض اشفنی وعافنی من دائی هذا فانی عبدک اتقلب فی قبضتک وناصیتی بیدک نوع دیگر روزه دارد ... کاهی اورد

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

در بازوی راست طفل ببندد ...

... اول بگوید اعوذ بوجه الله العظیم ... التی لا ترام وقدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر ما اخاف ومن شر ما فیه ومن شر ما احذر ... اللهم ما کان لی من خیر فبلک ... لا اعتذر فیه اللهم انی اعوذ بک ان احمل علی ... ما لا اعتذر فیه

[illegible]

جدول بیست ونهم در ادعیهٔ متفرقه که مرویست از ائمهٔ معصومین صلوات الله علیهم اجمعین

الجدول التاسع والعشرون في ادعية متفرقة مروية عن الائمة المعصومين عليهم صلوات الله وسلام رب العالمين

بعد از فراغ نماز تهجد دست بردارد وبگو اللهم طمئنة بالبلاء طماوعة بالبلاء عماوفيه بالاذى فماوادمه بيوم لا معادله وساء لامر له وابح مرهمه وصل على محمد وآله واكفني امره وفي شره واصرف عني كيده فاخرج وسده فاه عني وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا عنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما اخسئوا فيها ولا تكلمون ان ... صلى ... مداومت ... ومجرب ...

... بگزد بخواند ولما جاء موسى لميقاتنا وكلمه ربه قال رب ارني انظر اليك قال لن تراني ولكن انظر الى الجبل فان استقر مكانه فسوف تراني فلما تجلى ربه للجبل جعله دكا وخر موسى صعقا فلما افاق قال سبحانك تبت اليك وانا اول المؤمنين ... برسر ... مانده

[illegible]

بقیهٔ جدول بیست ونهم در بیان نمازهائی که روایت شده است از ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین

بقية الجدول التاسع والعشرين في ذكر الصلوة المروية عنهم عليهم الصلوة والسلام

... اعوذ بكلمات الله التامة واسمائه كلها عامة من شر السامة والهامة ومن شر العين اللامة ومن شر حاسد اذا حسد ... قل هو الله احد ... معوذتين ... آية الكرسي و آمن الرسول ... اول سورة بقرة ... آل عمران ...

[illegible]

بقیة الجدول الثالث فی ذکر سلاطین الارض و طوایف الامم و سلطنتهم من لدن آدم

الجدول الثالث فی ذکر سلاطین الارض و طوایف الامم و سلطنتهم من لدن آدم علیه الصلوة و السلام

الجدول الحادی و الثلاثون فی ذکر تواریخ الخلفاء من الاموی و العباسیین الغاصبین حقوق الائمة

معاویه	[illegible]
مروان	پدرش حکم بن ابی العاص ... [illegible]
عبد الملک	پدرش مروان و مادرش عایشه بنت معاویة بن المغیرة بن ابی امیه بن عبد الشمس بن عبد مناف ست با عبد الله زبیر ... و مختار بن ابی عبیده ثقفی لشکری با ابراهیم بن مالک زاده بر سر ایشان در موصل با ابن زیاد کشته شد مختار در عراق مشغول سلطنت بود تا سبع و ستین پس عبد الله بن زبیر مالک عراق شد تا سنه احدی و سبعین پس حجاج بن یوسف ثقفی بمنجنیق کعبه را با بر سر ابن زبیر ... و مدت خلافت عبد الملک بیست و یکسال و یکماه و نیم بود که هفت سال ابن زبیر در جنگ و مملکتش منحصر بشام و قریب بسیزده سال تمامی مملکت داشت
الولید	[illegible]
سلیمان	... تولدش در واثق ... [illegible] ... سیم صفر سنه تسع و تسعین ... مدت خلافتش دو سال و ... ماه و عمرش چهل سال بود
عمر	[illegible] ... عبد العزیز بخلافت نشسته فوت شد در بیست و پنجم شعبان سنه ... خمس ماه و ایام خلافتش دو سال و پنجماه و عمرش سی و سه سال و چند روز بود
هشام	پسر عبد الملک که عبد الملک وصیت کرده بود سلیمان پسر خود را که ولایت خود بوی داد از بعد از نفس خود سلیمان ولایت را بوی نداد آخر بعد از برادرش یزید خلافت بوی منتقل گشت و این چهار دانگ و احول و منقلب العینین جمیل الوجه و موهایش سیاه بود و خضاب بسواد مینمود فوتش در رصافه در ششم ربیع الاول سنه خمس و عشرین ماه بود و ابو مسلم پسرش بروی نماز کرد و مدت خلافتش نوزده سال و هفت ماه و یازده روز و عمرش پنجاه و سه سال و بقولی پنجاه و چهار سال و چند ماه بود بر پدرش
مروان الحمار	[illegible]
السفاح	[illegible]
المنصور	عبد الله محمد بن علی کنی بابی جعفر تولدش در سنه خمس و ... و در عهد برادر ولایت بروی معوض شد و لقب دیگرش ابو الدوانیق است چه بخود طلا در طعام بمردم میداد برای مخالفت اهل بیت رسول فوتش در ششم ذیحجه سنه ثمان و خمسین و ماه در نزد مامون و مدفنش بئر ... و مدت خلافتش بیست و یکسال و نه ماه و یازده روز بغداد را او بنا کرد و مسمی بدار السلام نمود چندین مرتبه اراده قتل حضرت صادق علیه السلام کرد حقتعالی آنحضرت را از شر او نگاه داشت
المهدی	[illegible]
الهادی	ابو محمد موسی المهدی و مادرش ام هارون المسمات بخیزران مولدش در کوفه و بعد از مهدی مباشر امر خلافت بود تا وقت فوت که لیلة الجمعة هفدهم ربیع الاول سنه سبعین و ماه مدت حکومتش چهار ماه و بیست و یکروز تا یکسال یکماه و تا چهار ماه مولدش سنه تسع و اربعین و ماه بود
الرشید	[illegible]
الامین	ابو عبد الله محمد بن رشید و مادرش زبیده بنت جعفر بن ابی جعفر المنصور بعد از هارون پدرش بخلافت نشست تا در محرم سنه ثمان و تسعین و ماه کشته شد مدت ولایتش چهار سال و ماه و بیست و چهار روز تولدش در شوال سنه احدی و سبعین و ماه
المامون	[illegible]
المعتصم	[illegible]
الواثق بالله	هرون المعتصم است که بعد از فوت پدر بامر خلافت مشغول شده پنج سال و یازده روز خلافت کرد مولدش سنه ست و تسعین و ماه و فوتش در بلده سر من رای یوم الاربعاء بیست و چهارم ذیحجه سنه اثنین و ثلاثین و ماتین
المتوکل	[illegible]
المنتصر بالله	محمد بن متوکل است یازدهم از خلفای بنی العباس بعد از پدر خود مباشر امر خلافت شد تا آخر عمرش تغییر نیافت تولدش سنه ثلاث و عشرین و ماتین یوم الاحد رابع ربیع الآخر سنه ثمان و اربعین مدت خلافتش شش ماه بود والله اعلم

بقیة الجدول الحادی و الثلاثین فی ذکر تواریخ بقایا الخلفاء من الاموی و العباسیین الغاصبین حقوق الائمة

المستعین بالله	احمد بن المعتصم است عم منتصر که بعد از فوت منتصر برادرزاده خود بخلافت قیام نموده در محرم سنه اثنین و خمسین و ماتین ویرا خلع نمودند و مدت خلافت او سه سال و نه ماه و در شوال همان سال غرق و بقولی کشته شد مولدش سنه ثمان و عشرین و ماتین
المعتز بالله	محمد بن متوکل ... [illegible] ... سنه خمس و خمسین ... [illegible]
المهتدی بالله	محمد بن الواثق بن المعتصم است بعد از معتز پسر عم خود بخلافت قیام نموده موصوف بزهد و ورع بود بعد بشواعر بن عبد العزیز بود تا هنگام موت که در دوم رجب سنه خمسین و ماتین ملک او یازده ماه و هفده روز مولدش سنه ثمان و عشرین و ماتین
المعتمد علی الله	[illegible]
المعتضد بالله	[illegible]
المکتفی بالله	[illegible]
المقتدر بالله	ابو العباس محمد بن جعفر المقتدر است که بعد از خلع تا رسم خود خلافت بوی رسید تا روز فوتش که شانزدهم ربیع الاول سنه تسع و عشرین و ثلث ماه مدت خلافت او شش سال و ده ماه و ده روز مولدش در رجب سنه تسع و سبعین و ماتین عمرش پنجاه سال
القاهر بالله	... بعد از یکسال ... خلع ... مقتدر لقب شد والله اعلم بالصواب
الراضی بالله	[illegible]
المتقی لله	[illegible]
المستکفی بالله	اول ابو القاسم عبد الله بن المکتفی بن معتضد است که بعد از خلع متقی پسر عم خود منصوب گشت تا هنگامیکه او نیز خلع و نابینا کردند در حبس هشت و دوم جمادی الآخر سنه اربع و ثلثین و ثلث ماه مولدش سنه اثنین و تسعین و ماتین وفات ابو الفضل بن المقتدر است که بعد خلع مستکفی عم زاده خود خلیفه شد تا هنگامیکه مفلوج گردیده خود را خلع کرد در چهار شنبه ثالث عشر ذیقعده سنه ثلث و ستین و ثلثمائه بوده و دو ماه بعد از آن فوت شد خلافتش بیست و نه سال و چهار ماه و بیست و یکروز و مولدش در سنه احد ...
المطیع لله	[illegible]
الطائع لله	[illegible]
القادر بالله	[illegible]
القائم بامر الله	[illegible]
المقتدی بامر الله	[illegible]
المستظهر بالله	کنی بابی العباس مسمی باحمد بن المقتدی بامر الله که بعد از پدر خود متولی امر خلافت شده خلافتش استمرار یافت تا هنگام فوتش که لیلة الاحد سابع و عشرین ربیع الآخر سنه اثنی عشر و خمس ماه و مدت خلافتش بیست و پنج سال چند ماه و مولدش سنه ثمان و ستین و اربعماه بود و در ایام عمر که چهل و چهار سال بود فیض بسیار بمردم رسانید رعیت پرور بود و اهل زمانه خود در رفاه بعد
المسترشد بالله	منصور بن المستظهر است که دوشنبه ثامن عشر ... سنه تسع و عشرین و خمسماه بخلافت رسید و دو ... عشر ذیقعده سنه ثلاثین و خمسماه سلطان ... اهل بغداد شده بموصل گریخت و در آنجا خلع و در ... کشته شد در رمضان سنه اثنین و ثلاثین و خمسماه ... سلطنتش دو سال شده مولدش بعد از خمسماه
الراشد بالله	[illegible]
المقتفی لامر الله	یوسف بن المقتفی است مکنی بابی المظفر بعد از فوت پدر بخلافت رسید تا آنکه فوت شد در بغداد یوم السبت هشتم شهر ربیع الاول سنه ... و ستین و خمسماه مدت خلافتش یازده سال و ... ربیع الآخر سنه ست عشر و خمسماه بود والله اعلم بالصواب
المستنجد بالله	[illegible]
المستضیء بامر الله	[illegible]
الناصر لدین الله	[illegible]
الظاهر بامر الله	[illegible]
المستنصر بالله	... بن المستنجد است که بعد از فوت پدر ... الله بخلافت نصب شد در یوم الاحد عاشر ... سنه ست و ستین و خمسماه و فاتش ... ذیقعده سنه خمس و سبعین و خمسماه از ... هجری نبوی مدت سلطنتش نه سال بود
المستعصم بالله	ابو احمد عبد الله المنصور مردی بود ضعیف الرای ... خلافتش استمرار یافت تا سنه ست و خمسین و ستماه هلاکو خان بغداد را گرفته و هلاکو خان کشته شد دولت بنی عباس منقرض گردید بدو در بیستم محرم همان سال

الجدول الثاني والثلاثون في ذكر ملل الفرق العالية والسفلية وحصر المذاهب والملل

الملاحدة	[illegible]
الروحانيون	... باهزار بعالم ... هشتصد ... برآسمان ... اسفل که موکل بر سرا ... هفتصد هزار سر ... هشتاد هزار ساله راه ... دعبد ما بین دو کتف ... هفتصد ساله راه ... پر کنند و بعد ما بین ... هفتصد ساله راه است / ... قرار ارض ... اگر تمام آب دریاها بر پشت ناخن او ... یک قطره ... تا قیامت ... بساحل نرسد ... هزار شهر است که کوچکترین آن از مشرق تا مغرب ... [illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

بقية الجدول الثاني والثلاثين في ذكر حصر المذاهب والاديان فيما بين الارمنين و...

الفلاسفة	[illegible]
الصفاتية	از اصول فرق مسلمین اند که اثبات صفات از لیه کنند جهة باریتعالی از علم و قدرت و سمیع و بصیر و اراده و مانند آن و ایشان سه جماعتند اشاعره اصحاب ابی الحسن علی بن اسمعیل اشعری که خیر و شر بتقدیر حق میدانند و منکر حسن و قبح عقلیست ... دوم کرامیه که اتباع ابی عبدالله محمد بن کرام که مثبت صفات مجسمه است و این طایفه شش شعبه اند ... واسحقیه و هیضمیه و احدیه سیم حنابله پیروان احمد بن حنبل که حلولی مذهب ... کتابع داود اصفهانی در اجرای صفات بی تاویل / المرجئة: از اصول فرق مسلمین و معتقد ایشان آنکه با وجود ایمان کفر ضرری ندارد ... از برای صاحب کبیره در دنیا حکمی بهشت و دوزخ یونسیه که اصحاب یونس نمیری اند ... منسوب بابی معاذ تومنی عبیدیه اصحاب عبید مکتب غسانیه که اتباع غسان کوفیند ... منسوب بابی ثوبان مرجی اند صالحیه اتباع صالح بن عمر ... القدریة و الارجائیه است والله اعلم بالصواب
الصفاتيون	[illegible]
المعتزلة	از اصولین اهل اسلام که عبد را در فعل حسنات و سیئات مستقل دانسته اند و اراده و ... هذیلیه ... ابو الهذیل ... نظامیه منسوبان النظام ... جاحظیه ... معمریه ... هشام بن عمرو ... تمام عمر ... واصل بن عطاء الغزال ... [illegible]
الجبرية	[illegible]
الخوارج	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
الامامية	[illegible]

نحمد حمداً املأ الخافقين
اذ له الاثنين وكيف ...
وهو نظام الدرر الفاخرة

ما طلع الفجر من المطلعين
وفق عبداً ولها طاعة
بالذهب النقد زكى الحجر

للاوحد الواحد من غير حد
للشرف الفائق من كل زين
فذاك الامر بنيل المرام

نظم سوادٍ وبياضٍ بعين
صادر يا مشاكي باض الجنان
جدوله من نهر الكوثرين

شرب من اوج افاداته
مدنية مثل حبل الحبتين
من شرب العرفة من حوضه

شمس نهار وقمر دائبين
فاض على ساحة من خلق
اتخذ العتبة من كل عين

نسئلك العصمة بمن هدى
رب بتنا بنته النيرين
خير نجيبات نساء الزمن

بالنبي المنتجب الوالدين
ثم اخيه الرضى المرتضى
وابنتها جامعة الحسنين

نور ربين الثقلين الذي
من قمع الكفر بسيد حنين
ثم بسبطيه وشبليهما

ذي الحسبين الحسنين الهدى
ثم بغواص بحار العلوم
كاظم الغيظ سميع البدين

ثم بسجاد على جري
باقرنا الفائض كالهاطلين
ملتجى الخلق على الرضا

صفحة الدمع من المهديين
رب وبالصادق وابن له
قبته نيرة المشرقين

رب بحق النقي المتقي
نجله القائم في الاصرين
هم فلك الفضل وهم شمسه

والتقي العز من القرنين
صل على صب بن المصطفى
طهم الفرق على الفرقدين

ثم بنجل العسكري والمنتظر
ثم على عترته المصطفين
خير جزائهم جميع الامم

شفعهم و اشفعنا التشافعين
داق بابواب عالك الاكف
ادخلنا خاض الى الخلدين

منك الهي لتمام الامور
طامحة الطرف مع المرفقين
ما لنبي العبد بجمع الكتاب

نالنفس المخلص من كل متين
في طرف العجز بوحل الوجل
من خلل الفكرة او طرف عين

فاعف لنا يوم يقوم الحساب
واقف رضانا برضى الوالدين

معروض رای عقده گشای برادران دینی میدارد بنده کمترین محمد رضای امامی خواتون ابادی مصنف این کتاب که چون وضع این کتاب بطرحی تازه و بخلاف وضع کتابهای دیگرست تا بر مردم آسان باشد پیدا کردن آنچه خواهند و بنابر کمی و بسیاری هر شرحی از شروح آن احتیاج بان باشد که بعضی از خانهها جداولش کوچک و بعضی وسط و بعضی بزرگ لهذا هر جدولی بطرحی علاحده شده و کلها و شکلها از واقع شدن عنوان رنگین بهم رسیده است که در حسن منظر و قبول طبع نیز دخلی عظیم دارد و جدولها و اشکالش در غایت اشکال و غلط بخرد نش از ان مشکلتر و انتساخ آن بدون جدول کشی و تقطیع لطفی ندارد فی الحقیقه مفید

پس بقانون نوشتن این نسخه مبارکه و واداشتن بهر یوقوف کج سلیقه که جدولش کج و کج کشد با شکلها صفحهها تعبیه نیست و باعث تضییع سعی این حقیر است که مدتها پژمرده شده و جمع و طراز آن خونها خوردهام و شرح و بسط هر چیز را بقدر گنجایش و وسعت خانهاش گنجانیدهام و این آسان نیست مگر بفضل جناب قدس الهی و دستیاری رسول صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام میسر گردیده است التماس این است از جهان طلب از خدمت برادران که نظر برین کتاب نمایند دارم و آنکه این حقیر را بضاعت شفاعت مغفرت و دعای خیر یاد نمایند دوم آنکه بر سهو و خطای این عبد خاطی قلم عفو بر کشند سیم آنکه این نسخه مبارکه را بهر نااهل نادان ندهند چهارم آنکه تا دام که کاغذ خوب و جدول کش صاحب سلیقه و اسباب آن از زرگار و ستاره و قلم جدول و کاتب خوش نویس صحیح نویس تحصیل نکنند میل بنویسانیدن این کتاب ننمایند و تغییر در وضع اسلوبش ندهند در روح مراد فالب [illegible] نیازند پس هر که تغییر دهد بنحوی که از کتاب بدر رود حلال نیست و مقید بقید لعنت خدا و رسول است تمت الکتاب بید اقل

میرزا آقا ولد مرحوم مغفور [illegible] محمد صادق [illegible]
فی شهر شعبان المعظم توی ئیل
سنه هزار و سیصد و بیست و پنج
هجری نبوی صلی الله علیه و آله

هو الله تعالی شأنه
بسعی و اهتمام
عالیجنابان

عزت و سعادت همرهان
آقا شیخ علی و آقا شیخ احمد کتابفروش
طهرانی اصلاً نجفی ولدان مرحوم مغفور خلد
آشیان رضوان آرامگاه آقای آقا شیخ محمد
ابراهیم طهرانی مدفون بالنجف الاشرف
در کارخانهٔ عالیجاه عزت و سعادت
همراه مشهدی خداداد

صورت
انطباع پذیرفت
فی شهر شعبان
المعظم ۱۳۲۵

٢٩٧
١٩٥
م
٢١٣
ج